

## بیگانگان و غیر مسلمانان و مسئولیت بیت‌المال در مورد دیه

دکتر عباس زراعت\*

**چکیده:** در مورد مسئولیت بیت‌المال نسبت به جنایتی که شخص غیر مسلمان در قلمرو ایران مرتکب می‌شود یا جنایتی که بر او وارد می‌گردد، تصریح فقهی و قانونی وجود ندارد و در کتاب‌های حقوقی نیز مسئله بر سکوت برگزار شده است. اما با توجه به قواعد مرتبط همچون «حاکم وارث کسی است که وارثی ندارد» و قاعده «هرکس نفعی برای اوست خسارت هم به عهده اوست» و قاعده استیمان و ادله شرعی می‌توان سه احتمال را به دست آورد: یک احتمال آن است که بیت‌المال مسلمین مسئولیتی در قبال کفار نداشته باشد، یک احتمال آن است که تفاوتی میان کافر و مسلمان وجود نداشته باشد و احتمال سوم آن است که بیت‌المال مسلمین به واسطه قرارداد ذمه فقط در مورد کفار ذمی مسئولیت داشته باشد. بررسی هر یک از این احتمالات و ادله آنها و سرانجام انتخاب احتمال بهتر، موضوع مقاله حاضر است.

**کلید واژه‌ها:** بیت‌المال، مسلمان، کافر حربی، کافر ذمی، دیه، جنایت.

\* دانشیار گروه حقوق و رئیس دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان.

### مقدمه:

منابع شرعی و قوانین موضوعه مواردی را بیان کرده‌اند که اگر شخصی، جنایتی را بر دیگری وارد کرد دیه مجنی علیه از بیت‌المال پرداخت شود مانند موردی که شخص در اثر ازدحام کشته شود و یا جسد مقتولی در شارع عام پیدا شود و قاضی قرائنی ظنی برای نسبت قتل به شخص یا جماعتی نداشته نباشد (م ۲۵۵ ق.م.ا.) یا در قتل خطای محض، جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله‌اش نتواند دیه را پردازد (م ۳۱۲ ق.م.ا.) یا در قتل عمد و شبه عمد جانی فرار کند و مال یا بستگانی نداشته باشد (م ۳۱۳ ق.م.ا.) یا موردی که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی بدون هیچ گونه تخلفی از مقررات تیراندازی کرده باشد و در نتیجه آن فردی کشته یا مجروح شده باشد که مهدورالدم نباشد (م ۳۲۲ ق.م.ا.). سؤالی که اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا حمایت بیت‌المال از جانی اختصاص به جانی، مسلمان دارد یا اگر جانی، غیر مسلمان نیز باشد دیه جنایت او از بیت‌المال پرداخت می‌شود. همچنین اگر مجنی علیه غیر مسلمان باشد آیا بیت‌المال مسئولیتی در مورد پرداخت دیه وی دارد یا خیر؟ قانونگذار هم مانند کتب فقهی تصریحی در این خصوص ندارد، بنابراین برای یافتن پاسخ، باید به کلیات و قواعد عمومی مراجعه کرد. مقاله حاضر در جست‌وجوی پاسخ مناسب برای این سؤال، با تفحص در منابع فقهی و حقوقی سه احتمال را مطرح کرده و مورد بررسی قرار می‌دهد.

### احتمال اول:

یک احتمال آن است که هرگاه شخص غیر مسلمان در قلمرو ایران مرتکب قتل یا جرمی شود که اگر مسلمان، آن را مرتکب می‌شد، مسئولیت بر عهده بیت‌المال بود پرداخت دیه بر عهده بیت‌المال باشد و نیز اگر غیر مسلمان کشته شود یا مجروح گردد و مورد از مواردی باشد که اگر مجنی علیه،

مسلمان می بود دیه بر عهده بیت المال قرار می گرفت، در اینجا هم دیه بر عهده بیت المال باشد. دلایلی که می توان بر تأیید این احتمال برشمرد به شرح زیر است:

۱. موادی از قانون مجازات اسلامی که به مسئولیت بیت المال اشاره دارند تفکیکی میان مسلمان و غیر مسلمان ایجاد نکرده اند؛ ماده ۲۵۵ این قانون بیان کرده است: «هرگاه شخصی در اثر ازدحام کشته شود و یا جسد مقتولی در شارع عام پیدا شود و قرائن ظنی برای قاضی بر نسبت قتل او به شخص یا جماعتی نباشد حاکم شرع باید دیه او را از بیت المال بدهد...» که واژه «شخص» مطلق است و مقید به مسلمان یا ایرانی نیست. تبصره ماده ۲۴۴ نیز واژه «مدعی علیه» را به صورت مطلق به کار برده، مقرر می دارد: «در موارد قسامه، چنانچه براءت مدعی علیه ثابت شود و قاتل مشخص نباشد دیه مقتول از بیت المال پرداخت می شود.» ماده ۳۱۲ هم واژه «جانی» را بدون قید مسلمان بودن آورده است: «هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال پردازد دیه از بیت المال پرداخت می شود.» انشای ماده ۳۱۳ نیز به همین نحو است: «دیه عمد و شبه عمد بر جانی است، لکن اگر فرار کند از مال او گرفته می شود و اگر مال نداشته باشد از بستگان نزدیک او با رعایت الاقرب فالاقرب گرفته می شود و اگر بستگانی نداشت یا تمکن نداشتند دیه از بیت المال داده می شود.» ماده ۳۳۲ نیز که بیانگر یکی از موارد مسئولیت بیت المال است واژه «مقتول» را مطلق به کار برده است: «هرگاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچ گونه تخلف از مقررات نکرده است، ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جز مواردی که مقتول و یا مصدوم مهدورالدم نبوده دیه به عهده بیت المال خواهد بود.» اطلاق این واژه ها نسبت به مسلمان یا غیر مسلمان بودن اقتضا می کند که دین مرتکب تأثیری در قضیه نداشته باشد، همان گونه که واژه های مذکور نسبت به ایرانی و بیگانه بودن نیز مطلق هستند. بنابراین

اگر قاتل یا مقتول غیر ایرانی و بیگانه هم باشد به حکم اصالة الاطلاق باید حکم به شمول این مواد نسبت به بیگانگان نمود. ایرادی که ممکن است نسبت به این دلیل مطرح شود آن است که گرچه مواد مذکور نسبت به قیود مسلمان یا غیرمسلمان بودن و بیگانه یا ایرانی بودن اطلاق دارند اما قید لازم نیست که به صورت متصل و در متن همین مواد وجود داشته باشد بلکه ممکن است در مواد قانونی دیگر یا در متون شرعی باشد و حتی دلیل عقلی نیز ممکن است دلیل لفظی را تخصیص بزند. از منابع شرعی و قانونی چنین به دست می آید که بیت‌المال ایران، که ردیف بودجه خاصی دارد و از درآمدهای عمومی کشور تشکیل می شود، صرفاً برای حمایت از اتباع ایرانی تأسیس شده است، اشخاص در صورتی می توانند از بیت‌المال استفاده کنند که حداقل تابعیت ایرانی داشته باشند هرچند مسلمان نباشند؛ زیرا حمایت بیت‌المال و حمایت اشخاص به صورت متقابل است یعنی همان‌گونه که بیت‌المال، خسارت‌های افراد را می پردازد، افراد نیز باید با دادن مالیات، بودجه بیت‌المال را تأمین کنند. با این حال بیگانگان نیز امروزه بر حسب قوانین بین‌المللی و داخلی کشورها از حقوق فراوانی بهره مند هستند که یکی از آنها، حمایت از تمامت جسمانی ایشان است و دولت وظیفه دارد همان گونه که از اتباع داخلی خود حمایت می کند از جسم و جان بیگانگانی که به صورت دائم یا موقت در ایران سکونت دارند حمایت کند.<sup>(۱)</sup>

۲. گرچه ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی، دیه را نیز از زمره مجازات‌ها می داند، اما حقیقت آن است که دیه، ماهیت خسارت دارد و یا حداقل جنبه خسارت بودن آن بر جنبه مجازات برتری دارد.<sup>(۲)</sup> و خسارت نیز مسئله‌ای وضعی است که شخصیت وارد کننده یا تحمل کننده خسارت تأثیری در

۱. مدنی (سید جلال‌الدین)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ احمدی، سال ۱۳۶۹، ص ۱۴۰.

۲. زراعت (عباس)، شرح قانون مجازات اسلامی، بخش دیات، جلد ۱، ص ۳۱ به بعد.

کیفیت آن ندارد، بر خلاف مجازات‌ها که ممکن است تحت تأثیر وضعیت اشخاص نیز قرار گیرد. بنابراین مسئولیتی که بر عهده بیت‌المال می‌باشد مسئولیت پرداخت خسارت است به خصوص که این خسارت در مقابل جسم و جان اشخاص می‌باشد و جسم و جان اشخاص در درجه‌ای از اهمیت قرار دارد که گرچه با پول قابل تعویض نیست اما همین خسارتی که تحت عنوان «دیه» پرداخت می‌شود جز در مواردی که شخص بر اثر حوادث طبیعی، صدمه می‌بیند باید پرداخت شود. گرچه در منابع شرعی دیدگاه‌هایی وجود دارد که می‌گوید به قتل یا جراحت کافران دیه تعلق نمی‌گیرد، اما در حقوق موضوعه کنونی این نظریات طرفداری ندارد و حتی فقها نیز بر اساس احکام ثانوی، برای جسم و جان کفار ارزش قائل‌اند<sup>(۱)</sup> و روزه‌روز بر دامنه طرفداران برابری دیه مسلمان و غیر مسلمان افزوده می‌شود.<sup>(۲)</sup>

ایرادی که نسبت به این دلیل ممکن است وارد شود آن است که به فرض آنکه دیه خسارت بوده و خسارت نیز حکم وضعی باشد جامعه در وارد کردن این خسارت نقشی نداشته است تا بیت‌المال مسئول پرداخت آن باشد بلکه مسئولیت بیت‌المال یک مسئولیت استثنائی است که در موارد خاص برقرار می‌باشد. این اشکال مردود است زیرا در مواردی که بیت‌المال بر اساس تصریح قانون مسئولیت دارد، جامعه تقصیری را مرتکب نشده است بلکه علت مسئولیت بیت‌المال آن است که شخص جانی معمولاً تقصیری ندارد تا دیه را بپردازد و از طرفی خون اشخاص نیز محترم است و نباید هدر شود بنابراین جمع میان این دو ماده اقتضا می‌کند که دیه از بیت‌المال پرداخت گردد و تقصیر یا عدم تقصیر جامعه، مدخلیتی ندارد بلکه محترم بودن خون اشخاص دخالت دارد پس باید دید که آیا خون غیر مسلمان نیز همچون خون

۱. زمانی (محمدحسن). طهارت و نجاست اهل کتاب و مشرکان در فقه اسلامی، دفتر تبلیغات

اسلامی حوزه علمیه قم، سال ۱۳۷۸، ص ۲۷۹ به بعد.

۲. گرجی (ابوالقاسم). دیات. دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۰، ص ۷۷.

### مسلمان احترام دارد یا خیر؟

۳. روایاتی که مسئولیت بیت‌المال را بیان کرده‌اند تفکیکی میان مسلمان و غیر مسلمان نکرده‌اند مانند روایتی که محمد بن حسن از یونس بن عبدالرحمن از امام باقر یا صادق (ع) نقل کرده است که امام در مورد شخصی که دیگری را از روی خطا بکشد و قبل از پرداخت دیه بمیرد فرمود: «پرداخت دیه بر عهده ورثه است و اگر عاقله‌ای نداشت پرداخت دیه بر عهده بیت‌المال است که حاکم باید پردازد.»<sup>(۱)</sup>

فقها نیز با استناد به این روایت، حکم قضیه را به صورت مطلق بیان کرده‌اند. مرحوم محقق اصفهانی در این زمینه می‌گوید: «اگر قاتل خطایی ضامن جریره نداشته باشد یا ضامن او فقیر باشد، امام ضامن است.»<sup>(۲)</sup> مرحوم محقق خوئی این مسئله را یکی از مسائل اجتماعی دانسته است: «هرگاه قاتل یا جانی، فامیل و مولی نداشته باشد، ضامن جریره، عاقله اوست و اگر ضامن جریره هم نداشته باشد امام دیه را از بیت‌المال می‌پردازد.»<sup>(۳)</sup> سکوت امام (ع) یا فقها در مقام بیان می‌باشد یعنی امام (ع) در عین حال که مسئله کفار را در نظر داشته باز هم حکم پرداخت دیه از بیت‌المال را به صورت مطلق بیان کرده است پس این حکم، کفار را نیز در برمی‌گیرد. نسبت به این دلیل نیز ممکن است گفته شود تمسک به اصالة الاطلاق در صورتی امکان دارد که مقدمات حکمت فراهم باشد و یکی از مقدمات حکمت آن است که لفظ به صورت خاصی منصرف نشود و قرینه‌ای بر خلاف اطلاق وجود نداشته باشد، حال آنکه در اینجا اطلاق پرداخت دیه به دیه مسلمان

۱. العاملی (۱۳۱۲ح)، *مسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. ج ۱۹، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ص ۳۰۴.

۲. اصفهانی (بهاء‌الدین محمد بن حسن محمد)، *کشف‌النوام*. ج ۲، کتابخانه مرعشی نجفی، سال ۱۳۱۰ هـ. ق، ص ۵۲۸.

۳. موسوی خوئی، *مبانی تکملة المنهاج*. ج ۴۲، مؤسسه احیاء آثار الامام‌الخوئی. سال ۱۴۱۳، هـ. ق، ص ۵۴۶.

انصراف دارد و قرینه‌های خارجی نیز این اطلاق را مقید می‌سازد، بنابراین استناد به چنین اطلاقی پسندیده نیست. این ایراد هم قابل اعتنا نیست زیرا اولاً مسئله در درجه‌ای از اهمیت است که قانونگذار باید به عجز ثبات آن نیز اشاره کند و اگر قیدی وجود دارد بیان نماید. ثانیاً قرینه‌هایی که گفته می‌شود، وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد به اندازه‌ای قوی نیست که بتواند اطلاق روایات را مقید سازد و همان‌گونه که می‌دانیم علت تقیید اطلاق به وسیله مقید به خاطر آن است که دلالت مقید قوی‌تر از دلالت مطلق است حال آنکه چنین قوتی در اینجا دیده نمی‌شود.

۴. علت مسئولیت بیت‌المال نسبت به پرداخت دیه برخی از افراد آن است که ارث این افراد در موارد خاصی به بیت‌المال می‌رسد بنابراین بر اساس قاعده فقهی «من له الغنم فعلیه الغرم» بیت‌المال در مقابل آنان مسئول خواهد بود: «هرگاه شخص از روی خطا مرتکب قتل شود و نسب او معلوم نباشد... مسلمانان از جهت قرابت و نسب عاقله او محسوب نمی‌شوند اما امام از بیت‌المال دیه را می‌پردازد زیرا ارث او به بیت‌المال منتقل می‌شود.»<sup>(۱)</sup> بنابراین هر کس که امام وارث اوست، امام ضامن او نیز هست و فقها وارث بودن امام نسبت به ارث بدون وارث را در مورد مسلمان و کافر یکسان می‌دانند. مرحوم علامه حلی در این زمینه می‌فرماید: «هر یک از کافران که بمیرد و وارثی نداشته باشد امام وارث اوست.»<sup>(۲)</sup>

مرحوم محقق حلی نیز چنین گفته است: «هر کافری که بمیرد و مالی را بر جای گذارد. اگر وارثی نداشته باشد مال او برای امام است.»<sup>(۳)</sup> بنابراین با توجه

۱. طوسی (محمد بن حسن)، *المبسوط فی فقه الامامیه*. نقل از سلسله التناهیة الفقهیة، مروارید

(علی اصغر)، جلد ۴۰، مؤسسه فقه الشیعه، سال ۱۴۱۳ هـ ق، ص ۳۰۱.

۲. حلی (جمال الدین)، *قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام*. نقل از سلسله التناهیة الفقهیة،

مروارید (علی اصغر)، جلد ۲۲، مؤسسه فقه الشیعه، سال ۱۴۱۳ هـ ق، ص ۴۸۳.

۳. حلی (محقق)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد ۴، انتشارات استقلال، بی تا،

به اینکه بیت‌المال وارث کافران می‌باشد پس در مقابل جنایتی که وارد می‌کنند یا جنایتی که به آنها وارد می‌شود مسئولیت دارد. اطلاق واژه «کافران» شامل کافر حربی و کافر ذمی می‌شود بنابراین همان‌گونه که بیت‌المال مالک ارث کافر می‌شود در مقابل جسم و جان او نیز مسئولیت دارد اما ایرادی که ممکن است در اینجا مطرح شود آن است که وراثت بیت‌المال نسبت به اموال کافران از آن جهت نیست که امام وارث کافران است بلکه از آن جهت است که اموال کفار حربی احترامی ندارد و دولت باید آنها را تملک نماید. این ایراد در مورد کافران ذمی پذیرفته نیست مضافاً اینکه بسیاری از فقها تصریح کرده‌اند که امام وارث کافرانی است که وارث ندارند و در حال حاضر نیز تفکیکی که در کتابهای فقهی میان کافر ذمی و کافر حربی شده است وجود ندارد و قراردادی به نام ذمه با کفار منعقد نمی‌شود بلکه وضعیت غیر اتباع ایرانی تحت عنوان «بیگانگان» مورد بررسی قرار می‌گیرد و بیگانه اعم از کافر و مسلمان می‌باشد.

۵. اصل بر آن است که کلیه بیگانگان (اعم از کافر و مسلمان) و اتباع ایرانی غیر مسلمان از حقوقی بهره‌مند باشند که اتباع ایرانی مسلمان از آن بهره‌مند هستند بنابراین موارد استثنائی نیاز به تصریح قانونی دارد.<sup>(۱)</sup> و پرداخت دیه از بیت‌المال جزء حقوق استثنا شده نیست، بنابراین کفار نیز هرگاه در قلمرو ایران مرتکب قتل خطایی دیگری شوند یا کشته شوند بیت‌المال در مقابل آنها مسئول خواهد بود. ممکن است در نوشته‌های فقهی میان کافر حربی و کافر ذمی تفکیک شود و در مورد کفار حربی، اصل بر محرومیت آنها باشد. مگر در مواردی که از حقوق مسلمانان بهره‌مند هستند و بر عکس در مورد کفار ذمی، اصل بر یکسانی آنان با مسلمانان باشد اما در منابع حقوقی چنین

۱. دانش پژوه (مصطفی)، اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی، وزارت امور خارجه، سال ۱۳۸۱.



تفکیکی وجود ندارد و اساساً قراردادی به نام قرارداد ذمه متروک مانده و جای خود را به معاهده‌ها و عرف و نزاکت بین‌المللی داده است و بیگانگان معمولاً از حقوق اتباع کشور بهره‌مند هستند: «در زمینه حقوق عمومی، بیگانگان اصولاً از حقوق و آزادی‌های عمومی که در حقوق اساسی مطرح می‌شود برخوردار می‌شوند مانند حق حمایت از جان و مال، حق احترام مسکن، آزادی عقیده، آزادی وجدان و غیر آن. در واقع این حقوق و آزادی‌ها برای شخص انسان به عنوان انسان و صرف نظر از اینکه خودی یا بیگانه باشد شناخته شده است. حقوق بین‌الملل عمومی هم مقرر می‌دارد که هر کشور باید احترام شخص بیگانه را رعایت کند.»<sup>(۱)</sup>

۶. مقررات مربوط به دیه در قوانین جزایی بیان می‌شود و قوانین جزایی نیز بر اساس قاعده صلاحیت محلی و به موجب ماده ۳ قانون مجازات اسلامی در مورد کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد. زیرا قوانین جزایی مربوط به نظم عمومی است و تابعیت خارجی یا دین مرتکب یا مجنی علیه تأثیری ندارد و از طرف دیگر درباره تعهدهای ناشی از جرم، قاعده صلاحیت قانون محل جرم اجرا می‌شود.<sup>(۲)</sup> و در قوانین کیفری ایران نسبت به پرداخت دیه از بیت‌المال تفکیکی میان مسلمان و کافر نشده است و بیگانگان نیز از این مزیت بهره‌مند هستند. اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این سؤال که: «هرگاه یکی از اتباع خارجه در ایران مرتکب جرمی از قبیل قتل غیر عمد در اثر رانندگی بشود مسئولیت پرداخت دیه با دولت ایران است یا دولت متبوع مرتکب؟» چنین پاسخ داده است: «موضوع استعلام از نظر مجازات مجرم مشمول ماده ۳ قانون راجع به مجازات اسلامی است.»<sup>(۳)</sup>

۱. صفایی (سیدحسین)، مباحث از حقوق بین‌الملل خصوصی، نشر میزان، سال ۱۳۷۴، ص ۲۵۵.

۲. سلجوقی (محمود)، بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، نشر میزان، سال ۱۳۸۰، ص ۳۶۱.

۳. نظریه مشورتی شماره ۱۳۶۲/۶/۸-۷/۱۳۵۴.

## احتمال دوم:

احتمال دیگر آن است که بیت‌المال در مورد جنایاتی که غیر مسلمانان مرتکب می‌شوند یا جنایاتی که نسبت به آنها صورت می‌گیرد مسئولیتی نداشته باشد در تأیید این احتمال می‌توان به دلایل زیر استناد جست:

۱. روایاتی که پرداخت دیه از بیت‌المال را تجویز می‌کنند علت آن را حرمت خون مسلمان و لزوم جلوگیری از هدر شدن آن دانسته‌اند مانند روایت امام صادق (ع) که فرمود: «حضرت علی (ع) در مورد شخص مقتولی که قاتل وی معلوم نیست فرمود: اگر اولیای وی مطالبه دیه کنند دیه او از بیت‌المال مسلمین داده می‌شود و خون شخص مسلمان نباید بر هدر رود زیرا ارث او برای امام است پس دیه او نیز بر عهده امام است.»<sup>(۱)</sup> یا روایت دیگری که در آن، ابوبصیر از امام صادق (ع) در مورد شخصی سؤال می‌کند که دیگری را عمداً کشته و فرار می‌کند و دسترسی به او نیست.

امام فرمود: «اگر مالی دارد دیه او پرداخت می‌شود وگرنه از اقربا گرفته می‌شود و اگر فامیلی نداشت امام دیه را می‌پردازد زیرا خون مسلمان بر هدر نمی‌رود.»<sup>(۲)</sup> استناد به این دلیل در صورتی موجه است که اولاً مفهوم لقب اعتبار داشته باشد حال آنکه مشهور اصولیان چنین مفهومی را معتبر ندانسته‌اند، ثانیاً ذکر واژه «مسلمان» از باب غلبه نباشد و به نظر می‌رسد واژه مزبور در اینجا به خاطر غلبه به کار رفته است زیرا در کشور اسلامی غالب مردم، مسلمان هستند و بیشتر مواردی که دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود دیه مسلمان است و به ندرت اتفاق می‌افتد که دیه غیر مسلمان از بیت‌المال داده شود بنابراین بیان حرمت خون مسلمان به معنای آن نیست که خون بیگانگان و غیر مسلمانان حرمتی ندارد و به اصطلاح «اثبات شیء نفی ما عدا

۱. العاملی (البحر)، وسائل الشیعه، ج ۱۹، داراحیاء التراث العربی، بی‌نا، ص ۱۰۹.

۲. همان، ص ۳۰۲.

نمی‌کند.»

۲. پرداخت دیه از بیت‌المال قاعده و اصل نیست بلکه یک حکم استثنائی است بنابراین فقط در موارد منصوص و قطعی می‌توان دیه را از بیت‌المال پرداخت کرد و در موارد مشکوک باید به اصل عدم جواز تمسک کرد و در پرداخت دیه از بیت‌المال در مورد غیر مسلمان یا دیه جنایتی که غیر مسلمان به دیگری وارد کرده است شک و شبهه وجود دارد بنابراین اصل آن است که چنین پرداختی جایز نباشد. البته این دلیل زمانی موجه می‌نماید که با دلایل دیگر نتوان شک و شبهه را برطرف کرد و به نظر می‌رسد امکان رفع شبهه وجود دارد.

۳. بیت‌المال مسلمین که از محل پرداخت‌های مسلمانان تشکیل می‌شود مخصوص مصالح مسلمین است و پرداخت دیه نیز یکی از مصادیق مصالح مسلمین می‌باشد. بنابراین حمایت بیت‌المال فقط در موردی است که قاتل و مقتول مسلمان باشند. البته اگر این استدلال صحیح باشد می‌توان موردی را هم که قاتل غیر مسلمان است اما مقتول مسلمان می‌باشد مشمول آن دانست زیرا اگرچه بیت‌المال در برابر جنایت غیر مسلمان مسئولیتی ندارد اما در هر صورت خون مسلمانی در اینجا ریخته شده است و خون مسلمان نیز نباید بر هدر رود. همچنین دلیل مزبور در مورد کافر ذمی مخدوش است زیرا کافر ذمی نیز همچون مسلمان وجوهی را به بیت‌المال می‌دهد، مضافاً بر اینکه در حال حاضر نمی‌توان مسئولیت بیت‌المال را منوط به پرداخت مالیات یا جزیه کرد بلکه بر اساس قواعد و عرف بین‌المللی همین که بیگانه‌ای از دولت دیگر اجازه ورود و اقامت در آن کشور را اخذ نمود مسئولیت‌هایی برای آن دولت به وجود می‌آید از جمله اینکه از جسم و جان بیگانه همچون اتباع خود حمایت‌کند.

۴. علتی که در روایات و منابع شرعی برای پرداخت دیه از بیت‌المال بیان شده، آن است که بیت‌المال وارث ارث افراد است بنابراین ضامن جنایت‌های

ایشان نیز می‌باشد؛ حال آنکه ارث کفار و غیر مسلمان جزء احوال شخصیه محسوب می‌شود و احوال شخصیه هم تابع احکام شرعی و مقررات موضوعه ایران نیست. ماده ۷ قانون مدنی بر این مطلب تصریح دارد: «اتباع خارج مقیم در خاک ایران، از حیث مسائل مربوطه به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه، در حدود معاهدات، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.» این ماده گرچه مربوط به بیگانگان است اما اطلاق بیگانگان شامل غیر مسلمانان نیز می‌شود و در عین حال قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲/۵/۱۰ حکم ایرانیان غیر مسلمان را نیز بیان کرده است: «ماده واحده - نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده، محاکم باید قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند:

(۱) در مسائل مربوط به نکاح و طلاق، عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.

(۲) در مسائل مربوط به ارث و وصیت، عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهب متوفی.

(۳) در مسائل مربوط به فرزند خواندگی، عادات و قواعد مسلمه متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.»

قواعد و عادات متداوله در مذاهب و ادیان دیگر آن نیست که ارث شخص بدون وارث به بیت‌المال داده شود بلکه در آیین زرتشتی با تعیین فرزندخوانده برای متوفای بلا وارث، اموال وی به فرزندخوانده داده می‌شود و در آیین کلیمی، اموال جهت استفاده عمومی در اختیار مرجع مذهبی کلیمیان قرار می‌گیرد، و در آیین مسیحی، خلیفه‌گری یا نماینده آن، ترکه

متوفی را به مصرف امور خیریه و عام‌المنفعه می‌رساند.<sup>(۱)</sup>

بنابراین وقتی بیت‌المال، وارث اموال کفار نباشد نسبت به دیه آنان نیز مسئولیتی نخواهد داشت. این دلیل ممکن است از نظر احکام اولیه اسلامی قابل استناد باشد اما از نظر احکام ثانویه و مقررات موضوعه کنونی قابل استناد نیست زیرا همان‌گونه که قبلاً گفته شد مسئولیت بیت‌المال در مقابل پرداخت مالیات یا جزیه و نیز تملک ارث نیست بلکه به خاطر حمایت از جسم و جان افرادی است که به نحوی در حمایت دولت اسلامی به سر می‌برند و صدمه‌ای به جسم یا جان ایشان وارد شده یا صدمه‌ای را وارد کرده‌اند و قانوناً یا واقعاً مسئولی برای پرداخت خسارت این صدمه وجود ندارد. البته ممنوعیت شمول مقررات احوال شخصیه و ارث نسبت به غیر اتباع ایرانی بر اساس قوانین بین‌المللی و داخلی است، اما شرع مقدس اسلام چنین حکمی را بیان نمی‌کند بلکه بیگانگان نیز تابع مقررات اسلامی هستند.

### احتمال سوم:

یک احتمال آن است که اگر کافر ذمی، شخصی را بکشد که اگر مسلمان می‌کشت پرداخت دیه بر عهده بیت‌المال بود یا اگر مسلمانی کشته می‌شد بیت‌المال، دیه را پرداخت می‌کرد، مسئولیت بر عهده بیت‌المال خواهد بود. این احتمال در فقه، طرفداران زیادی دارد. روایاتی از طریق شیعه و سنی در تأیید این نظریه بیان شده است: «ابن عباس از پیغمبر (ص) نقل می‌کند که آن حضرت به دو عامری که با پیغمبر پیمان بسته بودند و عمرو بن امیه آنها را کشت با صد شتر دیه هر یک را پرداخت و نیز پیغمبر فرمود: (دیه هر عبدی هزار دینار است) و آنچه زهری روایت می‌کند که ابوبکر و عمر دیه کافر ذمی

۱. فهیمی (عزیزالله)، بررسی تطبیقی ارث اقلیت‌های دینی در حقوق اسلام و ایران، انتشارات اشراق، سال ۱۳۸۱، ص ۱۵۳.

را مانند دیه مسلمان قرار دادند. همچنین استدلال کرده‌اند به آنچه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام گفت که آنان جزیه داده‌اند تا خونشان مانند خون ما باشد و اموال آنان نیز مانند اموال ما باشد.<sup>(۱)</sup> مرحوم محقق نجفی می‌فرماید: «جنایت شخص ذمی حتی اگر به صورت خطایی باشد از اموال خودش داده می‌شود و عاقله مسئولیتی ندارد و اگر توان پرداخت دیه را نداشت امام عاقله اوست زیرا مالیات به امام می‌دهد و این مسئله جزء مسائل اجتماعی است زیرا امام صادق (ع) فرمود: در میان اهل ذمه نسبت به قتل یا جراحتی که مرتکب می‌شوند ضمانتی وجود ندارد بلکه باید دیه را از اموال خودشان بدهند و اگر مالی نداشتند امام مسلمین مسئول است چون اهل ذمه به او جزیه می‌دهند.»<sup>(۲)</sup> مرحوم ابن ادریس هم نظیر این کلام را بیان می‌کند: «اگر کافر ذمی به صورت خطایی، مسلمان را بکشد... نظریه صحیح آن است که امام در هر حال عاقله کافر ذمی است اعم از اینکه مالی داشته باشد یا نداشته باشد.»<sup>(۳)</sup> کافر ذمی کافری است که اهل کتاب باشد و با مسلمانان قرارداد ذمه منعقد نموده باشد. مرحوم شهید ثانی، شرایط ذمه را چنین بیان می‌کند: «پرداخت جزیه، التزام به احکام اسلامی، ترک ازدواج با زنان مسلمان و تعرض به کودکان، ترک تعرض به مسلمین از طریق فتنه در دین آنها و راهزنی و سرقت اموالشان، پناه ندادن به مشرکان و جاسوسان آنها، ترک تعرض به عورات مسلمین، اظهار نکردن منکرات دینی مانند خوردن گوشت خوک و شرب خمر و رباخوری و نکاح با محارم در سرزمین اسلامی. دو شرط اول، باید در قرارداد ذمه صراحتاً ذکر شود و اگر کافر ذمی با آن

۱. ادریس (عروض احمد)، دیه، ترجمه فیض (علیرضا)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۷۲، ص ۱۸۳.

۲. نجفی (محمدحسن)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۴۳، المکتبه الاسلامیه، سال ۱۳۶۷، ص ۴۳۰.

۳. ادریس (محمدبن)، السرائر، نقل از سلسله الینایع الفقهیة توسط مروارید (علی اصغر)، جلد ۲۵، مؤسسه فقه الشیعه، سال ۱۴۱۰ هـ.ق. ص ۳۳۰.

مخالفت کند از سرزمین اسلامی اخراج خواهد شد و از عبارت لمعه و دروس برمی آید که بقیه شروط نیز همین حکم را دارند اما بهتر است گفته شود چنانچه این شرایط در قرارداد ذکر شده باشد و مورد مخالفت قرار گیرد موجب اخراج خواهد بود.<sup>(۱)</sup>

این دیدگاه در زمان کنونی متروک مانده است و برخی مقررات آنکه با قواعد و عرف بین‌المللی سازگار است در قالب قوانین داخلی یا قراردادهای بین‌المللی درآمده است و امروزه اصل بر آن است که بیگانگان از حقوق مدنی کشورهای دیگر نیز بهره‌مند باشند مگر در مواردی که به خاطر مصالح آن کشورها، ممنوعیت‌هایی ایجاد شده باشد. قانونگذار ایران نیز اصل را بر یکسان بودن اتباع داخلی و خارجی در بهره‌مند بودن از حقوق عمومی و خصوصی دانسته است و ماده ۹۶۱ قانون مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد: «جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود:

۱. در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.
۲. در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده.
۳. در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.»

بنابراین در شرایط کنونی به جای کافر ذمی و کافر حربی باید از بیگانگانی سخن گفت که به صورت مشروع یا نامشروع در قلمرو کشوری بیگانه سکونت دارند و احکام بیگانگان گروه نخست جز در موارد خاص همان

۱. الجبعی العاملی (زین‌الدین)، الروضه الجیه فی شرح اللعه الدمشقیه، جلد ۲، مکتبه الدآوری، بی‌تا، ص ۳۸۸.

احکام اتباع کشور است مگر در مورد نمایندگان سیاسی و اشخاصی که تحت حمایت بین‌المللی هستند که تابع مقررات خاص می‌باشند، مانند کنوانسیون راجع به جلوگیری از ارتکاب جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی از جمله مأمورین سیاسی مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۳۷ که در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۷ به تصویب مجلس ملی ایران رسیده است، لایحه قانونی راجع به محصولات سیاسی و لوازم شخصی متعلق به نمایندگان سیاسی ایران و خارجی مصوب ۲۸ خرداد ۱۳۵۹، قرارداد وین درباره روابط سیاسی که در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۴۳ به تصویب مجلس ایران رسیده است، قرارداد وین درباره روابط سیاسی پروتکل اختیاری مربوط به تحصیل تابعیت مورخ ۱۹۶۱، کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی مورخ ۱۹۶۳ که در تاریخ ۱۳۵۳/۱۲/۴ به تصویب مجلس ایران رسیده است، کنوانسیون راجع به مأموریت‌های مخصوص مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۹ که در تاریخ ۱۳۵۳/۱۲/۴ به تصویب مجلس ایران رسیده است، موافقت نامه مصونیت، و مزایای سازمان کنفرانس اسلامی مورخ ۱۹۶۶ که در تاریخ ۵۷/۳/۱۷ به تصویب ایران رسیده است و...

### نتیجه:

مسئولیت بیت‌المال در قبال دیه شخص غیرمسلمان یا بیگانه‌ای که به قتل می‌رسد یا جنایتی بر او وارد شده یکی از مسائل مسکوت و مبهم فقه و حقوق موضوعه ایران است. برای بررسی فقهی این موضوع باید در مبحث کفار و عاقله بودن یا نبودن امام مسلمین نسبت به آنها جست‌وجو کرد اما در حقوق موضوعه باید به سراغ حقوق جزای اختصاصی و حقوق بین‌الملل خصوصی رفت، هرچند که دین جانی یا مجنی علیه در حقوق موضوعه جایگاهی ندارد و این موضوع را تحت عنوان «وضعیت بیگانگان» بررسی می‌کنند و بیگانگان هم چنانچه به صورت مشروع و با اجازه دولت، سکونت



موقتی یا دائمی در ایران اختیار کرده باشند دولت نسبت به جسم و جان آنان مسئولیت پیدا می‌کند و این مسئولیت جز در موارد خاص همان مسئولیتی است که نسبت به اتباع ایرانی برقرار است بنابراین از میان احتمالاتی که پیشتر بیان شد احتمال نخست موجه‌تر می‌نماید یعنی مواردی که در قانون مجازات اسلامی پرداخت دیه از بیت‌المال تجویز شده است و شامل کافران و بیگانگان هم می‌شود. زیرا:

اولاً: مواد مربوطه در قانون مجازات اسلامی (مواد ۲۲۱ و ۲۵۵ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۳۲) اطلاق دارند و اطلاق آن بر حسب اصالة‌الاطلاق شامل کافران و بیگانگان نیز می‌شود؛

ثانیاً: دیه ماهیت خسارت دارد و در جبران خسارت تفاوتی میان مسلمان و غیر مسلمان و ایرانی و بیگانه نمی‌باشد؛

ثالثاً: در روایات شرعی که مهم‌ترین مستند احکام دیه می‌باشد تمایزی میان کافر و مسلمان در مسئله پرداخت دیه از بیت‌المال به عمل نیامده است؛ رابعاً: بیت‌المال در مواردی اموال کافر را به ارث می‌برد بنابراین بر اساس قاعده فقهی «من له الغنم و فعلیه الغرم» بیت‌المال نسبت به پرداخت دیه کافر نیز مسئولیت دارد؛

خامساً: محرومیت کفار و بیگانگان از ضمانت‌های اجرائی قانون مجازات اسلامی بر خلاف اصل می‌باشد (ماده ۳ قانون مجازات اسلامی) بنابراین نیاز به تصریح قانونی دارد و چنین استثنائی در قوانین موضوعه دیده نمی‌شود. احتمال دوم مبنی بر اینکه بیت‌المال هیچ مسئولیتی در قبال دیه کافر و مسلمان یا پرداخت دیه جنایات آنها نداشته باشد و نیز این احتمال که میان کافر ذمی و کافر حربی تفاوت قائل شویم دلیل محکمی ندارد و ضعف ادله آنها را در استدلال‌های فوق می‌توان یافت.